خبر

رئیس جمهور:

دویست شب حضور مردم در خیابان‌ها، منافع ملی را پاس می‌دارد

رئیس جمهور در پیامی همزمان با فرارسیدن دویستمین شب حضور مردم در خیابان‌ها، با قدردانی از حضور مسئولانه و حماسی مردم در صحنه‌های حساس کشور، تاکید کرد: شما در پنج دهه حیات باشکوه جمهوری اسلامی، شب‌های بسیاری سپری کرده‌اید که آنها را می‌توان شب‌های قدر انقلاب دانست. دویست شب حضور شما در صحنه، در کنار ایستادگی و جانفشانی نیروهای مسلح، جلوه‌ای از عزم و اراده ملتی است که در روزهای دشوار، ایران را تنها نمی‌گذارد و منافع ملی را با تمام وجود پاس می‌دارد. دکتر پزشکیان همراهی ملت ایران را برای دولت وفاق ملی مسئولیتی بزرگ و تعهدی سنگین توصیف و تصریح کرد: دولت در کنار نیروهای مسلح و پشتیبان مجاهدت آنان برای دفاع از کیان کشور است و با همان جدیت در کنار همه مردم ایران ایستاده است. تامین نیازهای ضروری، استمرار خدمات عمومی، حمایت از تولید و اشتغال و رسیدگی به مسائل معیشتی و اقتصادی مردم از وظایف اصلی دولت است که در این شرایط با اهتمام و جدیت بیشتری دنبال می‌شود.

سرلشکر رضایی:

مردم، مهم‌ترین سرمایه کشور هستند

نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی در پیامی به ملت ایران ضمن تقدیر از حضور تاریخی ملت در میادین پس از تهاجم دشمن ددمنش، این حضور را مهم‌ترین ستون قدرت ملی و بازدارندگی ایران خواند. سرلشکر محسن رضایی در پیام خود با تاکید بر این‌که ۲۰۰ روز حضور میدانی مردم را نباید صرفا در چارچوب یک رویداد امنیتی یا یک منازعه نظامی دید، نوشت: در این دویست روز، مردم ایران نشان دادند که در برابر تهاجم خارجی، تمام وجودشان ایران است. شما با حضور، صبر و ایستادگی خود، نه تنها از تمامیت ارضی و استقلال کشور دفاع کردید، بلکه همچون دوران هشت سال دفاع مقدس به مهم‌ترین ستون قدرت ملی و بازدارندگی ایران تبدیل شدید. دشمنی که می‌خواست با فشار نظامی، اراده ملت ایران را در هم بشکند، اکنون در برابر اراده شما زانو زده است. دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان این‌که ملت شکست‌ناپذیر و قهرمان ایران، بارها دوگانه‌های موهوم را درهم شکسته و انسجام مثال‌زدنی خویش را به رخ جهانیان کشیده است، افزود: امروز مهم‌ترین سرمایه امنیت ملی ایران، در کنار قدرت نظامی و ظرفیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک، ملتی است که در لحظه خطر، به چیزی جز میهن نمی‌اندیشد. وظیفه همه ماست که این سرمایه ملی را حفظ کنیم، تقویت کنیم و به پشتوانه‌ای پایدار برای امنیت، استقلال و اقتدار ایران تبدیل کنیم.

فرمانده سپاه:

انتقام مولوی گرگیج را می‌گیریم

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور پیامی در پی شهادت مجاهد بصیر مولوی یوسف گرگیج، تاکید کرد: ترور ناجوانمردانه عالم جلیل‌القدر و مجاهد بصیر، مولوی یوسف گرگیج توسط تروریست‌های مزدور، نشان روشنی از استیصال آمریکا و رژیم صهیونی و دلیل آشکاری بر شکست آنان از مردم غیرتمند سیستان و بلوچستان است. سرلشکر احمد وحیدی، ترور ناجوانمردانه عالم جلیل‌القدر و مجاهد بصیر، مولوی یوسف گرگیج، توسط تروریست‌های مزدور را نشان روشنی از استیصال آمریکا و رژیم صهیونی و دلیل آشکاری بر شکست آنان از مردم غیرتمند سیستان و بلوچستان خواند و افزود: این شهادت مظلومانه راه او را پررهروتر کرد و با او میثاق می‌بندیم پرچمش را بر زمین نخواهیم گذاشت و انتقام او را خواهیم ستاند.

چین: قاطعانه از حقوق مشروع ایران دفاع می‌کنیم

وزیر امور خارجه چین در دیدار با همتای ایرانی‌اش در سفر به پکن با تاکید بر شراکت راهبردی پکن و تهران، اعلام کرد چین آماده است ضمن تقویت گفت‌وگو و همکاری با ایران، از حقوق و منافع مشروع جمهوری اسلامی ایران دفاع کند. وانگ‌یی، وزیر امور خارجه چین، روز چهارشنبه در دیدار با عباس عراقچی گفت: «چین و ایران از شراکت راهبردی جامع برخوردارند. چین همچنین آماده است گفت‌وگو و همکاری با طرف ایرانی را تقویت و قاطعانه از حقوق و منافع مشروع ایران دفاع کند.» وزیر امور خارجه چین با اشاره به جایگاه ایران در روابط خارجی پکن، جمهوری اسلامی ایران را یک شریک راهبردی توصیف کرد و در بیانیه‌ای درباره دیدارش با وزیر خارجه ایران اعلام کرد: «نمی‌خواهیم شاهد تشدید بیشتر تنش‌های منطقه‌ای و گسترش آن به یمن و دریای سرخ باشیم». وی گفته «از واشنگتن و تهران می‌خواهیم درباره مسائل باقی‌مانده وارد رایزنی‌های جدی شوند و براساس توافق حاصل‌شده از زمان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، چارچوب مذاکرات را بازسازی کنند.»

همزمان با افشای خسارات گسترده پایگاه‌های آمریکا در حملات موشکی دلاورانه ایران هزینه نظامی واشنگتن از ۳۸ میلیارد دلار گذشت و کنگره برای سومین بار خواستار توقف این جنگ شد

فروپاشی روایت آمریکا





عبدالرضا هادی‌زاده نائینی
دبیر گروه سیاسی

جنگی را که دونالد ترامپ قرار بود با قدرت نظامی آمریکا به یک نمایش کوتاه و کم‌هزینه تبدیل کند، حالا در هفتمین ماه خود به یکی از پرهزینه‌ترین ماجراجویی‌های نظامی واشنگتن تبدیل شده است؛ جنگی که نه‌تنها میلیاردها دلار از منابع مالی آمریکا را بلعیده، بلکه ذخایر موشک‌های رهگیر و مهمات راهبردی این کشور را تحت فشار قرار داده و حتی در داخل واشنگتن نیز شکاف بر سر ادامه آن را عمیق‌تر کرده است. در تازه‌ترین تحول، مجلس نمایندگان آمریکا برای سومین بار در ماه‌های اخیر به محدود کردن اختیار دولت دونالد ترامپ برای ادامه عملیات نظامی علیه ایران رأی داد. این قطعنامه با ۲۲۰ رأی موافق در برابر ۲۰۴ رأی مخالف تصویب شد و هفت جمهوری‌خواه نیز به دموکرات‌ها پیوستند.

این رأی در شرایطی صادر شد که همزمان رسانه آمریکایی CBS تصاویر اختصاصی جدیدی از خسارت واردشده به پایگاه‌ها و تجهیزات آمریکا در نقاط مختلف خاورمیانه منتشر کرد؛ تصاویری که به گفته این شبکه برای نخستین بار ابعاد قابل توجهی از خسارات ناشی از حملات موشکی و پهپادی ایران را آشکار می‌کند.

تصاویر از پشت دیوارهای سانسور

CBS اعلام کرده است تصاویر منتشرشده را نظامیان فعال آمریکایی در اختیار این شبکه گذاشته‌اند؛ نظامیانی که به دلیل محدودیت‌های رسانه‌ای ارتش آمریکا نخواسته‌اند هویت‌شان فاش شود. یکی از این نظامیان به CBS گفته است: «این خسارت سنگینی است که به پایگاه‌های ما وارد شده و به مردم آمریکا اطلاع داده نشده است.» او شرایط را به این شکل توصیف کرده که نیروهای آمریکایی «با چشمان بسته ضربه می‌خورند» و در نهایت گفته است: «ما از این پایگاه‌ها دفاع نمی‌کنیم؛ فقط شاهد نابودی آنها هستیم.» این اظهارات زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که تصاویر منتشرشده را در کنار ادبیات مقام‌های آمریکایی درباره میزان خسارات قرار دهیم.

CBS در گزارش خود تصویری از پایگاه هوایی پرنس سلطان در عربستان سعودی منتشر کرده که به گفته این شبکه، اصابت مستقیم به بخش عقبی یک فروند هواپیمای E-3 Sentry را نشان می‌دهد؛ هواپیمایی چهارموتوره که سامانه راداری چرخان آن برای مأموریت‌های شناسایی و کنترل هوایی اهمیت دارد. تصاویر دیگر نیز ساختمان‌ها، آسایشگاه‌ها و خودروهای آسیب‌دیده در پایگاه‌های آمریکا از جمله کمپ بوهرینگ و کمپ عریفجان در کویت را نشان می‌دهند. CBS همچنین به گزارش بازرس کل وزارت دفاع آمریکا اشاره کرده که از خسارت تجهیزات آمریکایی به ارزش تا ۳/۷ میلیارد دلار از جمله نزدیک به ۶۰ فروند هواپیما، خبر داده است.

البته خود CBS نیز تصریح کرده که پنتاگون در پاسخ به درخواست این شبکه درباره میزان خسارت‌ها اظهار نظری نکرده است. بنابراین، تصاویر و اظهارات نظامیان آمریکایی باید در چارچوب همین محدودیت‌های راستی‌آزمایی و عدم ارائه توضیح رسمی از سوی پنتاگون خوانده شود.

صورت‌حساب ۳۸ میلیارد دلاری

اما حتی اگر از تصاویر و روایت نظامیان آمریکایی عبور کنیم، یک واقعیت را نمی‌توان با سانسور رسانه‌ای پنهان کرد: هزینه جنگ برای آمریکا به ده‌ها میلیارد دلار رسیده است. دفتر بودجه کنگره آمریکا اعلام کرده است که عملیات نظامی علیه ایران از ۲۸ فوریه تا اول اوت، حدود ۳۸/۱ میلیارد دلار هزینه مستقیم برای دولت آمریکا به همراه داشته است. این رقم هزینه‌هایی مانند جایگزینی مهمات مصرف‌شده، تجهیزات ازدست‌رفته، افزایش ساعات پروازی، عملیات نظامی و هزینه سوخت را دربر می‌گیرد. این تنها صورت‌حساب مالی جنگ نیست. گزارش پیشین بازرس کل وزارت دفاع آمریکا نشان داده بود که تا پایان ژوئن، عملیات آمریکا حدود ۳۳/۴ میلیارد دلار هزینه داشته که ۲۲/۳ میلیارد دلار آن صرف مهمات شده است. همین گزارش هشدار داده بود که مصرف مهمات، به ایجاد «کمبودهای راهبردی» در ذخایر تسلیحاتی آمریکا و گلوگاه‌هایی در ظرفیت صنعتی برای جایگزینی آنها منجر شده است. در واقع، جنگ ایران فقط پول آمریکا را مصرف نکرده؛ بخشی از ذخیره نظامی آمریکا را نیز به میدان آورده و مصرف کرده است.

پنج سال برای جبران یک جنگ

برآوردهای منتشرشده از سوی دفتر بودجه کنگره نشان می‌دهد بخش بزرگی از هزینه جنگ مربوط به جایگزینی موشک‌ها و سامانه‌های پدافندی بوده است. براساس داده‌های ارائه‌شده، هزینه جایگزینی این تسلیحات به حدود ۲۱/۷ میلیارد دلار می‌رسد؛ از جمله ۱۳/۱ میلیارد دلار برای موشک‌های رهگیر و ۷/۳ میلیارد دلار برای موشک‌های کروز. اهمیت این ارقام فقط در اندازه آنها نیست. مسأله اصلی این است که بازسازی برخی ذخایر موشک‌های رهگیر می‌تواند سال‌ها زمان ببرد. به این ترتیب، واشنگتن برای جنگی که قرار بود با اتکا به برتری نظامی آمریکا تعیین تکلیف شود، نه‌تنها هزینه مالی سنگینی پرداخت کرده، بلکه بخشی از ظرفیت تسلیحاتی خود را نیز مصرف کرده است. دفتر بودجه کنگره همچنین برآورد کرده است که جنگ، بسته به شدت عملیات، همچنان می‌تواند حدود ۲ میلیارد دلار یا بیشتر در ماه برای آمریکا هزینه داشته باشد. این یعنی حتی اگر هزینه‌های جدیدی برای بازسازی پایگاه‌های آسیب‌دیده و جایگزینی کامل تجهیزات ازدست‌رفته در نظر گرفته نشود، ادامه جنگ همچنان برای واشنگتن یک چک سفید امضا نیست.

سومین «نه» کنگره به ادامه جنگ

در چنین شرایطی، رأی سوم مجلس نمایندگان آمریکا علیه ادامه اختیارات جنگی ترامپ اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. مجلس نمایندگان پیش از این نیز در ماه‌های ژوئن و ژوئیه قطعنامه‌هایی برای محدود کردن جنگ تصویب کرده بود. این بار نیز ۲۲۰ نماینده به قطعنامه رأی مثبت دادند و ۲۰۴ نماینده با آن مخالفت کردند. با این حال، این قطعنامه نیز مانند تلاش‌های قبلی برای تبدیل شدن به قانونی الزام‌آور با موانع جدی روبه‌روست و انتظار می‌رود ترامپ با آن مخالفت کند. سِت مولتون، نماینده دموکرات و از ارائه‌دهندگان قطعنامه، با اشاره به وعده‌های اولیه دولت ترامپ درباره کوتاه بودن جنگ، گفت اکنون زمان آن است که کنگره به جای تسلیم شدن در برابر یک دولت جنگ‌طلب، درباره ادامه درگیری پرسش‌های جدی مطرح کند. همه اینها نشان می‌دهد جنگ ایران به موضوعی در سیاست داخلی آمریکا تبدیل شده است. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره ماه نوامبر برگزار خواهد شد و تمام کرسی‌های مجلس نمایندگان و حدود یک‌سوم کرسی‌های سنا در معرض رأی مردم قرار می‌گیرد. از همین رو، ادامه جنگ صرفا یک پرونده سیاست خارجی برای واشنگتن نیست بلکه به مسأله‌ای درباره مالیات‌دهندگان آمریکایی، قیمت انرژی، ذخایر تسلیحاتی و آینده سیاسی نمایندگان کنگره تبدیل شده است.

جنگی که هر روز گران‌تر می‌شود

تصویر بزرگ‌تر اما از کنار هم گذاشتن همین چند خبر به دست می‌آید. از یک سو، CBS تصاویری از ساختمان‌های آسیب‌دیده آمریکایی در پایگاه‌های منطقه منتشر می‌کند.

از سوی دیگر، گزارش بازرس کل پنتاگون از میلیاردها دلار تجهیزات ازدست‌رفته و کمبود راهبردی مهمات سخن می‌گوید.

در سطح سوم، دفتر بودجه کنگره صورت‌حساب جنگ را تا اول اوت حدود ۳۸/۱ میلیارد دلار اعلام می‌کند و همزمان مجلس نمایندگان برای سومین بار تلاش می‌کند اختیار ادامه جنگ را محدود کند.

واشنگتن جنگ را با محاسبه قدرت نظامی خود آغاز کرد اما اکنون باید همزمان هزینه مالی، هزینه تسلیحاتی و هزینه سیاسی آن را نیز بپردازد. حتی در روایت رسانه‌های آمریکایی نیز نشانه‌های فشار بر ماشین جنگی آمریکا آشکار شده است.

در شرایطی که دولت ترامپ همچنان از توان نظامی آمریکا سخن می‌گوید، گزارش‌های رسمی نهادهای آمریکایی از مصرف ده‌ها میلیارد دلار، کاهش ذخایر مهمات و نیاز به سال‌ها زمان برای بازسازی برخی تسلیحات حکایت دارند.

از سوی دیگر، تصاویر منتشرشده توسط CBS نشان می‌دهد جنگ فقط روی کاغذ و در جدول هزینه‌های پنتاگون جریان ندارد؛ آثار آن به پایگاه‌هایی رسیده که قرار بود نماد برتری و امنیت نظامی آمریکا در منطقه باشد.

به این ترتیب، جنگی که واشنگتن با تصور تحمیل هزینه به ایران آغاز کرد، اکنون خودش برای آمریکا به یک صورت‌حساب فزاینده مالی، نظامی و سیاسی تبدیل شده است؛ صورت‌حسابی که هر ماه ادامه جنگ، رقم آن را بزرگ‌تر می‌کند و کاخ سفید از انتشار آنها به شدت عصبانی شده است.

یادداشت

دکتر محمدباقر خرمشاد | استاد دانشگاه

پایان نیروهای فرامنطقه‌ای در امنیت خلیج فارس

اگرچه بحث نشست عمان صرفا به مسیر دریایی و امنیت تنگه هرمز مربوط می‌شود اما می‌تواند نوعی تمرین درباره امکان تأمین امنیت منطقه بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد. در موضوع امنیت منطقه خلیج‌فارس نیز باید پرسید آیا این امنیت باید صرفا توسط کشورهای منطقه تأمین شود، با مشارکت قدرت‌های فرامنطقه‌ای تأمین شود یا این‌که مسئولیت اصلی آن برعهده قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد. برای پاسخ به این پرسش، لازم است مروری کوتاه بر راه‌حل‌هایی داشته باشیم که در گذشته برای مسأله امنیت منطقه‌ای ارائه شده و نتایج حاصل از آنها را بررسی کنیم. در یک دهه منتهی به وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نظام امنیت منطقه‌ای خلیج‌فارس بر مبنای آنچه بعدها «دکترین دو ستون نیکسون» نام گرفت، شکل گرفته بود. در فضای نظام دوقطبی آن دوره که یک قطب آن غرب به رهبری ایالات متحده بود، ایران و عربستان سعودی، با توجه به مناسبات سیاسی خود با غرب، دو متحد اصلی آمریکا در منطقه محسوب می‌شدند. ایالات متحده پس از تجربه جنگ ویتنام و تحمل تلفات سنگین، برای تأمین امنیت متحدان خود در مناطق مختلف جهان، به این نتیجه رسید که به‌جای مداخله مستقیم و گسترده، مسلح‌کردن و محور قرار دادن یک یا دو کشور هم‌پیمان در هر منطقه را در دستورکار قرار دهد و خود نقش پشتیبانی، لجستیکی و حمایتی را برعهده بگیرد. در منطقه خلیج‌فارس، این نقش به ایران و عربستان سعودی واگذار شد. ایران، به‌ویژه در دوره محمدرضا پهلوی، نقش اصلی و سخت‌افزاری این نظام امنیتی را برعهده داشت و به‌عنوان «ژاندارم منطقه» یا به تعبیر دیگر، ژاندارم آمریکا در منطقه، مسئولیت مهمی در تأمین امنیت برعهده گرفته بود.

در مقابل، عربستان سعودی بیشتر نقش نرم‌افزاری این نظام امنیتی طراحی‌شده توسط آمریکا را ایفا می‌کرد. بنابراین، پیش از انقلاب اسلامی، امنیت منطقه بر دو ستون ایران و عربستان سعودی و با حمایت و پشتیبانی ایالات متحده آمریکا، به‌عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای، تعریف شده بود و این نظام تا زمان وقوع انقلاب اسلامی به کار خود ادامه داد. با وقوع انقلاب اسلامی، به دلیل ماهیت ضدآمریکایی و ضداستکباری نظام جدید و همچنین سابقه مداخلات گسترده آمریکا در ایران در دوران شاه، ایران عملا از اردوگاه غرب خارج شد. در نتیجه، خلأ امنیتی در منطقه به وجود آمد و برای پر کردن این خلأ، چند اقدام در دستور کار قرار گرفت. ایالات متحده از دکترین عدم مداخله مستقیم که پس از جنگ ویتنام مورد تأکید قرار گرفته بود فاصله گرفت و نیروهای واکنش سریع و قابلیت مداخله سریع را در دستور کار قرار داد. از سوی دیگر، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز شورای همکاری خلیج‌فارس را تشکیل دادند که عملا قرار بود جایگزین نظام امنیتی دو ستون نیکسون شود. همزمان، آمریکا و کشورهای منطقه، در راستای تضعیف ایران انقلابی، از رژیم صدام حمایت کردند تا این کشور بتواند با تحمیل یک جنگ تمام‌عیار، ایران را تضعیف کند و زمینه برای شکل‌گیری نظم امنیتی جدید فراهم شود. با این حال، این راهبرد با موفقیت همراه نشد؛ زیرا صدام نتوانست در جنگ علیه ایران به پیروزی برسد و در واقع، نتیجه حاصل‌شده با هدف اولیه این سیاست در تعارض قرار گرفت. پس از آن، آمریکایی‌ها تلاش گسترده‌ای برای تأمین امنیت کشورهای منطقه انجام دادند و حضور نظامی خود را در منطقه افزایش دادند. استقرار گسترده پایگاه‌های نظامی آمریکا نیز به یکی از پایه‌های نظم امنیتی منطقه تبدیل شد. با این حال، جنگی که طی حدود ۱۶ تا ۱۹ ماه گذشته به ایران تحمیل شده است، بار دیگر نشان داد که این روش نیز نتوانسته راه‌حل مناسبی برای مسأله امنیت منطقه‌ای ارائه دهد. بنابراین، منطقی نیست راه‌حلی را که پیش‌تر آزموده شده و نتیجه مطلوبی به همراه نداشته است، دوباره به نام عقلانیت بیازماییم. مسأله امنیت منطقه به راه‌حلی جدید نیاز دارد؛ راه‌حلی که در آن، براساس تجربه گذشته، همه کشورهای منطقه در تأمین امنیت مشارکت داشته باشند و برای هر یک از آنها جایگاه مشخصی تعریف شود. در این چارچوب، کشورهایی مانند ایران، عراق و یمن از جمله بازیگران مؤثر در نظم امنیتی منطقه هستند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. البته هر یک از بازیگران می‌توانند متناسب با وزن و ظرفیت خود، در این نظام جایگاه داشته باشند. در میان کشورهای منطقه نیز ایران و عربستان سعودی، با توجه به سابقه و جایگاه خود، می‌توانند نقش اصلی را در یک نظام امنیتی جدید ایفا کنند. بر این اساس، می‌توان از شکل‌گیری نوعی امنیت مشارکتی با محوریت ایران و عربستان سعودی سخن گفت. البته درخصوص میزان و نوع حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، میان دیدگاه‌های کشورهای منطقه تفاوت وجود دارد. دیدگاه ایران بر این است که نیروهای خارجی نباید در تأمین امنیت منطقه مداخله و نقشی داشته باشند. در مقابل، عربستان سعودی به احتمال زیاد بر این اصرار خواهد داشت که نقش پررنگی به نیروهای فرامنطقه‌ای داده شود. اینجاست که روی آن باید بحث و مذاکره جدی کرد و ناکارآمدی چندین باره این مدل را به طرف مقابل تذکر داد.

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

تناقض‌زدایی، راه حلی عقلایی

آیا متوجه شده‌اید رفتارهای متناقض به یکی از ارکان ساختاری مدیریت کلان بدل شده است؟ ملت بیدار ایران، هراندازه که از دو امام سفرکرده به لقاءالله، رفتار موزون و معقول و هماهنگ و منظم و مضبوط به یاد دارد، از مخالفان غرب‌گرای‌شان چه در دولت‌های غرب‌گرا و چه افراد و رهبران‌شان شاهد تناقض بوده است. باید پرسید این تناقضات عام، چه تناقضاتی در جزئیات عمل حکمرانی پدید آورده و این امر به چه‌معنی است؟ آیا آقایان در نهان بی‌تناقضند و عمل‌شان در مسیر نظرشان، تفکرشان، باورشان پیش می‌رود و فقط پیش مردم دچار نمایش دیگری هستند یا به‌سبب توهم نسبت به کفار و جهل نسبت به ماهیت و وجودشان، دچار اشتباه شده و گرفتار تناقض گشته‌اند؟ یا پیوندهای مادی، وابستگی مقام‌شان به پول و منافع حرام الیگارش‌های غرب‌گرا آنان را دچار خطا، سرگردانی و کنش ضد انقلابی، و مردمی کرده است؟ این انقلاب جز به نام امام خمینی(قده) و ادامه راه امام راحل، توسط امام شهید(ره) به هیچ نامی متکی نبوده و به‌گفته رهبر والامقام شهید سید علی خامنه‌ای (قده) به هیچ نام دیگری جز نام امام(ره) در دنیا شناخته شده نیست. مردم انقلابی که قدرت غصب شده را از چنگ آمریکا و پهلوی بازپس گرفتند حاضر نبودند و نیستند جز راه امام که همان راه دفاع از توحید و قران و عترت و امام زمان(عج) بود برای هیچ‌کس یک قطره خون‌شان را هدر دهند اما آنان جانفدای اسلام و ایران به فرمان فقط امام خمینی و امام خامنه‌ای عمل کردند شرافتمندانه و با عزت و مجاهدانه زیستند و جنگیدند و بر آرمان‌های انقلاب اسلامی، استقلال، آزادی از سیطره شیطان بزرگ و هرقدرت جائر مستکبر جهانی و ملی، و بر عدالت و حق پایمال شده مستضعفان و حق پیشرفت ملی ایستادگی کردند و می‌کنند و سند این حرف وصایای شهداست که امروز ارزش‌شان در دفاع از ولایت فقیه عیان شده و از مستندات است. در این سرزمین هرکس، خود را یار امام اعلام کرد عزت یافت و به‌محض تقابل با آن دو امام بزرگوار بی‌آبرو و طرد شد و چون براندازان پیش از خود، منفور ملت گشت. به این تناقض‌ها توجه کنید: نیروها و خواصی که همه نام و مقام و قدرت و دارایی‌های خود را بنا به ادعای اعتقاد و خدمت به اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی به کف آوردند اما امروز همه تلاش‌شان نفی ولایت فقیه، مخالفت با حکمرانی دینی و جمهوری اسلامی است. نیروهایی که می‌دانند مردم و مستضعفان در این انقلاب، ولی‌نعمت مسئولان نامیده شدند ولی حالا ولی‌نعمت‌شان الیگارش‌ها و حرام‌خوارها هستند. نیروها و کسانی که معتقدند با سلطه‌گری فرعون و استکبار بجنگید اما امروز علیرغم کشتار امام ما و مردم و قهرمانان ملی‌شان و... خلاف مقاومت مردم به‌بهانه مردم، گدایی صلح دروغین و در اصل تسلیم می‌کنند. کسانی که می‌دانند هرچه ایران در دنیا عزت و آبرو و بزرگینگی یافته از انقلاب اسلامی و راه امام و مقاومت یافته با این همه در پی نابودی جمهوری اسلامی و استحاله آن نهان‌کارانه راه شیاطین می‌پویند و آب دشمن گرم می‌کنند. و از همه عجیب‌تر و مضحک‌تر طلبکارند که چرا تندروها در مقابل ما می‌ایستد و منظورشان از تندرو مردم مبعوث در خیابان است. کسانی که می‌گویند برای حق زندگی کردن، برای حفظ زیر ساخت‌ها باید سازش کرد اما خود را به جهل می‌زنند که سیاست «بده‌بره» کل ایران را پای آمریکا و اسرائیل قربانی می‌کند، تجزیه می‌کند، روح استقامت را می‌کشد. و مردم را بدتر از مردم لیبی گرفتار نابودی نوامیس و دارایی‌های مادی و معنوی می‌نماید. آنان به شیطان خوشبین هستند و اگر اهل مقاومت برابر شیطان بودند، امروز مقاومت می‌کردند، و مردم را به دنیاپرستی و شیطان‌گرایی سوق نمی‌دادند و بی‌ایمانی و سکولاریسم را تشویق نمی‌کردند. این تناقضات بستر هزاران تناقض رفتاری شده است. اجازه دهید به برخوردهای تناقض‌آلود متعدد عملی اشاره کنم که هرگز به صورت پژوهشی جدی به تاثیر خسارت بار سیستماتیک‌شان بر امر کلی مقاومت برابر دشمن وحشی نپرداختیم و اثر ویرانگر رفتار خودرای و متناقض این سیاست‌های ضد مقاومت را نسنجیده‌ایم و ندیده‌ایم سد سدید مقاومت مردمی و نظامی و تربیت روحی مردم علیه بردگی وسلطه شیطان بزرگ که دو امام بپا داشتند، چگونه ارزان با این رفتارهای متناقض و نگاه سطحی تباه می‌گردد. این تناقضات روزمره و سرخود و بی‌منطق را مرور کنیم: چرا تناقض وانموده پوچ و نابجای مذاکره بی‌پایه مسقط بنا به توهمات حضور گفت‌وگوی نمایشی و بازی کودکانه با حضور دشمنانی که در اوج دشمنی با ما هستند با عملیات افتخارآفرین یمن وضدیت با آن و تضعیف دستاوردهایش و نقشش در پایین کشیدن قیمت نفت و کمک به ترامپ و ادعاهایش دیده نمی‌شود و این تناقض رفتاری مخرب و بازی سطحی، جدا وارسی نمی‌گردد؟ خبر پراکنی درباره مسیر دریایی جدید، چه معنی دارد درحالی که قراراست سلاح بستن تنگه کارآمد عمل کند تا مهار متجاوز وحشی مخصوصا تا انتخابات میان‌دوره‌ای ادامه یابد؟ چرا به عملیات باب‌المندب ضربه می‌زنیم به‌جای تقویت آن؟

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

برش

علی‌رغم سانسور شدید صورت گرفت:

تایید اصابت پرتابه‌های ایرانی به کشتی آمریکا

تری بینگست، خبرنگار فاکس‌نیوز در تل‌آویو در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «دو منبع به فاکس‌نیوز گفتند یک کشتی تحت قرارداد با دولت آمریکا، در جریان حمله ایران در اوایل این هفته هدف قرار گرفته است.» بینگست افزود: این حادثه در حوالی تنگه هرمز رخ داده و چهار پهپاد ایرانی و دست‌کم یک موشک در آن دخیل بوده‌اند. یکی از این پرتابه‌ها به کشتی اصابت کرده و باعث جراحات جزئی خدمه، از جمله آسیب ناشی از استنشاق دود شده است. این خبرنگار آمریکایی با وجود تاکید بر جزئی بودن جراحت خدمه این کشتی در این پیام خود تاکید کرده که مجروحان در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس تحت درمان هستند. همچنین بر اساس این گزارش پرسنل آمریکایی نیز در زمان حادثه در کشتی حضور داشته‌اند.